

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

به قلم بهروز دانش

۱۰/۱۰/۰۳

بینی بریده یک شاعر از خود راضی!

نوشته جناب افراسیاب در مورد شعر سپید شریف سعیدی در سایت خواندنی «دعوت»، جالب و تماشایی است، پس از گشت و گذاری در فصلنامه فردا، ملتفت شدم که آقای شریف سعیدی در یادداشتی توضیحی، این شعر (!) خویش را یک شعر سیاسی، انگاشته اند!

این که کجای این معجون مرکب متراکم، این توهم نامه، این نمونه اعلای صنعت بدیعی «تنسيق الصفات و سیاق الاعداد»، این پدیده سر برآورده از عوالم روانپزشی، سیاسی است؛ فقط گوینده داند و خدای او. شعر سیاسی آن است که مانند یک پتک بر فرق قلدران بومی و محلی، حکومتگران دغلباز و حامیان جهانخواربین المللی شان فرود آید. شعر سیاسی آن است که دو طرف یک معادله مجهول را به کسانی که نمیدانند، معلوم و آشکار سازد. یک طرف معادله، فریبکاران، شیادان سیاسی، استعمارگران و مداحان ظلم و ظلمت قرار دارند و طرف دیگر، تمامیت گول خوردگان عصر، توده های خفته در خون و خاکستر، خانه به دوشان، و محنت کشان تاریخ اند. شعر سیاسی از کارگران، دهقانان، آموزگاران، کسبه کاران، زنان و کودکان و همه قشر های محروم جوامع بشری، به دفاع بر میخیزد؛ شعر سیاسی در جوامع آسیائی، در خاور میانه، در آسیای میانه و افغانستان، زبانی صریح، کالبدی آشنا و تصایری شفاف دارد. شعر سیاسی، شعر ویرانگر و روشنفکری و محافل شمع و شراب آدم های لابیالی نیست. لازم نیست شعر سیاسی، یک دفتر آشفته «خوانده های علمی و فلسفی» یا انعکاس اختلالات یک روان بیمار باشد! یا قصه ای از یک خواب آشفته، یا سر هم بندی یک روایت علمی و تاریخی! ضروری نیست که شعر سیاسی یکسره با باور های مذهبی لایه های پائین جامعه در تضاد و تقابل باشد، به ویژه در جوامعی که از کمترین سواد و آموزش برخوردار است!

شعر سپید آقای سعیدی که بر اساس روایت جناب افراسیاب، سازنده آن، روزگاری ساکن ایران بوده و دلبسته «آموزه های ولایت فقیه»، بجه دلیل اینهمه ستیزه جویانه و آشفته حرکت میکند و از یک دالان تاریک و مه آلود میگذرد، سبیل مارکس و لینن و داروین را به ریش نوح و محمد گره میزند و غار های توره بوره را به هیروشیما می چسپاند و کاشی مسجد شیخ لطف الله را به «سکس و صلوات دبی»! مگر اینهمه عوالم متضاد مقدمه یک شعر سیاسی است؟

اینها «فضل فروشی» است برادر نه شعر سیاسی! چرا باید همه خوانده ها و شنیده ها را در شکم یک شعر (!) ریخت تا مردم به اعجاب اندر شوند؟!

تازه، اگر فرهنگ عقب‌گرای عشیره، دختری به اسم عایشه را، زیر تیغ مجازات نشاند، چرا باید بر اساس هیچ و پوچ، فقط به خاطر یک تشابه اسمی، ام المومنین همسر پیامبر اسلام، عایشه بنت ابوبکر صدیق، تحقیر و توهین شود!

چرا آقای سعیدی این ارثیه زشت تباری را ترک نمیکند، آیا شما که خلیفه دوم (فاروق) و عایشه زن پیامبر را در شعر سپیدتان تحقیر کرده اید، اجازه میدهید یک شاعر و نگارنده سنی، از لبت و پار کردن جسم، از خونریزی ضد کرامت بشری فرقه امامیه در روز عاشورا انتقاد کند؟